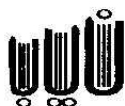


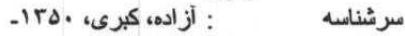
تعیّن‌گری رنگ در مثنوی معنوی

نویسنده

کبری آزاده



www.ketab.ir



عنوان و نام پدیدآور : تعیین‌گری رنگ در مثنوی معنوی/نویسنده کبری آزاده.

مشخصات نشر : تهران: نیلاب، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص.

شاپک : ۷۵۰۰۰ ریال 978-622-7598-03-2

وضعیت فهرست : فیفا

نویسی

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۹۹]-۲۰۰.

موضوع : رنگ در ادبیات

Color in literature : موضوع

موضوع : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق۔۔ نقد و تفسیر

Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e :

Mohammad, 1207 - 1273--

Criticism and interpretation

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد

Persian poetry -- 13th century -- History and criticism : موضوع

۳۵۵۵PIP : رده بندی

۰۰۹۳۶/۱۱۱ رده بندی دیوید

شماره کتابشناسی: ۷۵۱۳۵۱

وضعیت رکورد

نام عنوان: تعیین گری رنگ - مثنوی معنوی

نام مولف: کبری آزاده

ناشر: انتشارات نیلاب

ناظر چاپ: کریم افسری

چاپ و صحافی: پارمیدا

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه



آدرس: میدان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، بن بست مرکزی، پلاک ۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۷۴۰۸۷ و ۰۲۱-۶۶۱۷۴۱۲۷.

قیمت: ۷۵۰۰۰۰ ریال

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: کلیات
۱۹	فصل دوم: زبان و رنگ‌ها
۶۱	فصل سوم: رویکرد مولوی به رنگ‌ها
۱۹۱	فصل چهارم: نتیجه
۱۹۷	منابع و مآخذ

www.ketab.ir

مقدمه

دنیایی که ما آن را نظاره می‌کنیم از دو عنصر مهم تجسمی تشکیل شده است. این دو عنصر عبارت‌اند از: فرم (شکل) و (رنگ) که هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. هر موجودی که در دنیا با چشم دیده می‌شود، ابتدا جنبه‌ی شکل و اندازه‌ی آن احساس می‌شود و سپس، رنگ آن مورد توجه قرار می‌گیرد. رنگ ویژگی بارز هر شیء طبیعی است، چنان که رنگ گل سرخ از دور نگاه هر بیننده‌ای را به خود معطوف می‌کند یا از روی رنگ یک میوه می‌توان فهمید که رسیده یا نرسیده است. با نگاه به سطح یک فلز، می‌توان جنس و حتی وزن تقریبی آن را از روی رنگ آن حدس زد. مثلاً رنگ قرمز آهن گداخته ناخودآگاه ما را از لمس کردن آن برحذر می‌دارد. یک رنگ خاص حتی می‌تواند، به طور هم‌زمان، نشان دهنده‌ی دو مفهوم جداگانه نیز باشد که ارزش‌های مستقلی دارند، مانند رنگ قرمز که هم علامت آتش هم علامت خون است. بدین ترتیب، اهمیت رنگ در زندگی انسان اگر بیش از شکل و فرم نباشد، کمتر از آن نیست.

دنیا پوشیده از رنگ است و اهمیت رنگ برای فرم عالم مانند اهمیت آن برای هنرمند است. رؤیت رنگ‌ها همواره در ارتباط با (طبیعت انبیا) و چگونگی (تابش نور) و (وضعیت چشم) می‌باشد. در تجزیه و تحلیل رنگ‌ها در اثر داشتن این سه جنبه اهمیت ویژه‌ای دارد. تصور جهان بدون رنگ غیر ممکن است، چرا که رنگ پدیده‌ای است که در همه جا حضور دارد و نقشی مؤثر بازی می‌کند. ارتباطات به کمک رنگ‌ها صورت می‌گیرد و تمام دریافت‌های عینی از طریق رنگ‌ها حاصل می‌شود. روی تابلوهای راهنمای، در پست‌های فرودگاه، در تقاطع جاده‌ها، در کارخانه‌ها، در خیابان‌ها و پیاده‌روها نیز چنین است. ماشین آلات و اتومبیل‌ها به رنگ‌های مختلف رنگ‌آمیزی می‌شوند تا بهتر به چشم بیایند. پیراهن‌های سنگی و آجری، کف پوش‌های رنگارنگ، در و پنجره چوبی و فلزی، رنگ داروها و ... پنداری آن‌ها که با ترکیب شیمیایی آن‌ها مطابقت دارد، با توجه به ارزش‌های رنگی انتخاب می‌شوند. در منازل، خیابان‌ها و پارک‌ها، گل‌های رنگارنگ فضاها را رنگین می‌کنند.

سالن‌های نمایش و دکور تئاتر با توجه به جلوه‌های رنگین آذین می‌شوند در سینما، فضاها و صحنه‌ها با دقت فراوان به رنگ‌ها آرایش داده می‌شوند و بازیگران لباس‌های رنگارنگ می‌پوشند و نورافکن‌های رنگین، با رنگ خود، نمود صحنه‌ها را تغییر می‌دهند. موزه‌ها مملو از گنجینه‌های هنری رنگین هستند که در آن‌ها رنگ نقش اساسی دارد.

در سده‌ی هفدهم میلادی، نیوتن توانست با تجزیه‌ی نور سفید، رنگ‌های طیف را به دست آورد. او کشف کرد که نور سفید شامل انواع اشعه است که هرگاه به طور جداگانه به شبکه‌ی چشم انسان وارد شوند، احساس یک رنگ مجزا را به وجود خواهند آورد. با آمیختگی این شعاع‌ها (امواج نور) بر روی شبکه‌ی چشم نیز رنگ سفید احساس می‌شود. در نتیجه، معلوم شد که رنگ پدیده‌ای ادراکی و مسئله‌ای مربوط به بینش آدمی است.

پیش از نیوتن، تصور بر این بود که رنگ تا اندازه‌ی زیادی یک ویژگی ذاتی و حسی و مربوط به شکل و ترکیب هر شیء است. چنانچه سیبی سرخ را در نظر بگیریم، به سختی ممکن است بپذیریم که رنگ ویژگی عرضی آن است و سرخی در ذات آن نیست. هر شیئی دارای دو رنگی است: یکی شکل و حجم، و دیگری نمود رنگی است.

از زمان نیوتن تاکنون نظریه‌های علمی بی‌شماری درباره‌ی رنگ‌ها ارائه شده است. بیش‌تر این نظریه‌ها و تجربیات مربوط به تجزیه‌ی نور و گذشتن آن از میان فیلترها و شیشه‌های رنگین است، در حالی که دید عادی، که با وجود ظاهری رنگ اشیا سروکار دارد - بسیار عجیب و پیچیده است.

رنگ و صورت (شکل) هر دو در دنیای موجودات هستند؛ مثلاً، برگ هم صورت قلب را دارد هم به رنگ سبز است.

به نظر چنین می‌نماید که شکل برگ، ویژگی ذاتی و جدا نشدنی آن است، در حالی که رنگ همواره بر اثر مداخله‌ی عوامل محیط دستخوش تغییر می‌شود. سبزی یک برگ از فاصله‌ی دور آبی به نظر می‌آید، در سایه به ارغوانی متمایل می‌شود و در غروب آفتاب، سرخ فام به نظر می‌رسد. در بهار، رنگ برگ‌ها سبز روشن است، در تابستان سبز تیره می‌شود و در پاییز به زرد و نارنجی تبدیل می‌گردد.

چنانچه اثر رنگ‌های موضعی و پیرامون شیئی را در نظر بگیریم، ترکیب رنگ‌های موضعی را با رنگ خود شیء ارزیابی کنیم، خواهیم دید که شناخت و درک رنگ‌ها تا چه اندازه پیچیده و مشکل است.

دانشمندان بسیاری ماهیت نور و رنگ را مورد آزمایش و بررسی قرار داده‌اند؛ از آن میان یافته‌های علمی هلم هولتز، ویلهلم آستوالد، سورول و کلارک مکسول اهمیت بیشتری دارند. گوته نیز از جنبه‌ی زیبایی‌شناسی، نظرهای ذوقی خود را عرضه کرده است و رنگ را در شمار عناصر مهم زیبایی دانسته است. او برای ترکیب رنگی و نسبت‌های آنها اعدادی را عنوان کرده است که می‌تواند معیار هماهنگی رنگ‌ها قرار گیرد.